

آموزش و پرورش، دانش و توسعه اقتصادی

۶-۱ مقدمه

در گذشته چنین تصور می شد که فقط منابع مادی و سرمایه فیزیکی باعث رشد اقتصادی می شده است. اما پس از مطالعات و بررسی های زیاد به این نتیجه دست پیدا شد که علل و عوامل دیگری همچون نیروی انسانی باعث رشد اقتصادی می شود که مهمترین عامل می باشد. علت برتری آن است که استفاده از سرمایه فیزیکی و مادی استهلاک پذیر است و با استفاده بیشتر، زودتر مستهلاک شده و قدرت تولیدی آنها کاسته می شود ولی استفاده از نیروی انسانی دارای استهلاک بسیار ناچیز و در حد صفر است و علاوه بر آن هر چه سرمایه انسانی بیشتر استفاده شود موجب افزایش مهارت های آن شده و باعث ارتقاء سطح کیفیت آن خواهد شد همچنین سرمایه انسانی قابلیت انطباق و سازگاری بیشتری با محیط و شرایط متغیر و گوناگون را دارد و بنابراین دارای بازدهی طولانی تر است.

به طور کلی سرمایه را می توان به دو گروه تقسیم بندی نمود:

- ۱- سرمایه فیزیکی و مادی که به مجموع کالاهای بادوام که جهت تولید کالاهای مصرفی به کار برده می شود مانند ماشین آلات و تجهیزات و... گفته می شود.
- ۲- سرمایه انسانی که عبارت است از دانش، تواناییها و مهارتهایی که فرد کسب می کند. کیفیت نیروی انسانی بر میزان بهره روی سرمایه فیزیکی و منابع طبیعی اثر می گذارد.

۶-۲ نقش آموزش و پرورش در رشد و توسعه اقتصادی

رشد اقتصادی علاوه بر عوامل تولید (کار و سرمایه) به بهبود کیفیت نیروی کار، پیشرفت فنی در تکنولوژی، صرفه جویی های ناشی از مقیاس، تخصیص مطلوبتر منابع و نهایتاً به آموزش و پرورش

نیز بستگی دارد. بی شک اجرای برنامه‌های توسعه نیازمند بکارگیری نیروی انسانی آموزش دیده و افراد متخصص و تحصیل کرده است و نیروهای آموزش دیده بوجود جوانان با استعداد و باتوان بستگی دارد و نقش آموزش و پرورش در این میان کشف این استعدادها و نیز بارور نمودن آنها است.

آموزش و پرورش از باثبات‌ترین بخشهای اقتصادی هر جامعه محسوب می‌شود.

رمز موفقیت انقلاب صنعتی در کشورهای غربی در ایجاد مراکز تحقیقاتی و پژوهشی است. اکثر دستاوردهای علمی و تکنولوژی، حاصل کار محققان و پژوهشگران می‌باشد.

سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تربیت نیروی انسانی یک سرمایه‌گذاری بلند مدت محسوب می‌شود. زیرا از آغاز سرمایه‌گذاری تا موقع بهره‌برداری از آن زمان زیادی مورد نیاز است ولی سرمایه‌گذاری در امر آموزش و پرورش بویژه برای جوامع در حال توسعه فوق العاده سودآور است. تأثیر آموزش و پرورش از بُعد فرهنگی و اجتماعی نیز قابل طرح است. بدین معنا که آموزش و پرورش در جوامع سبب تغییر نگرشهای فرهنگی و اجتماعی می‌شود که این تغییرات به نوبه خود سبب هموارتر شدن راه رشد و بویژه توسعه اقتصادی خواهد شد.

نقش آموزش و پرورش در پیشرفت اقتصادی جامعه ✓

۱- ارتقاء سطح کارایی و قابلیت نیروی کار از مهمترین وظایف آموزش و پرورش است.

۲- انطباق و سازگاری بیشتر نیروی کار در هنگام تغییرات شرایط کار نظیر تغییرات تکنولوژیکی در تداوم رشد اقتصادی امر بسیار مهمی است که امکان آن تنها از طریق آموزش و پرورش فراهم می‌شود.

۳- استفاده بهتر و مناسبتر از ماشین آلات و تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته.

۴- تخصیص مناسبتر و مطلوبتر عوامل تولید که موجب انطباق و تحرک بیشتر در نیروی کار و سرمایه و منابع در سازمان می‌شود.

۵- آموزش و پرورش موجب خلق ابداعات و شکوفایی استعدادها و تحصیل مهارت‌ها می‌گردد و درآمد افراد را در آینده افزایش می‌دهد.

۶- آموزش و پرورش زمینه لازم برای ایجاد نگرشهای فرهنگ و اجتماعی مناسب توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد و نتایج مطلوبی نظیر کنترل رشد جمعیت را بدست می‌دهد.

۷- آموزش و پرورش در شکل‌گیری توزیع عادلانه درآمد دارای نقش مؤثری است.

✓ ۶-۳ انواع آموزش و پرورش

آموزش و پرورش به سه بخش تقسیم می‌شود:

- ۱- آموزش و پرورش رسمی یا آکادمیک
- ۲- آموزش و پرورش غیر رسمی یا آموزش ضمن خدمت
- ۳- آموزش و پرورش آزاد و همگانی

۱- آموزش و پرورش رسمی یا آکادمیک

آموزش و پرورش رسمی مهمترین و رایجترین و مدونترین راه انتقال دانش و تجربه و مهارت در جوامع گوناگون است.

وظیفه اصلی و اساسی آموزش و پرورش رسمی آماده کردن افراد برای آموزشهای تخصصی تری بعدی و احراز مشاغل گوناگون است.

آموزش و پرورش رسمی خود شامل سه دوره مجزا می‌باشد:

الف) آموزش ابتدایی

ب) آموزش متوسطه

ج) آموزش عالی

الف) آموزش ابتدایی

وظیفه اصلی آموزش ابتدایی با سواد کردن مردم است. به علاوه تربیت و تعلیم افراد به منظور افزایش کارایی و بازدهی بیشتر در امر تولید جزء وظایف اصلی آموزش ابتدایی است و آموزش ابتدایی پایه و اساس آموزشهای بعدی است.

و اگر به آن توجه نشود امکان تعلیمات بعدی به وجود نمی‌آید و جامعه آمادگی لازم برای پذیرش دانش روز را ندارد و افراد جامعه از آگاهی و بینشهای مناسب برخوردار نبوده و جامعه با مشکلات فرهنگی و اجتماعی روبرو می‌شود.

ب) آموزش متوسطه

این دوره بدان جهت که با قشر جوان سر و کار دارد و به دلیل جایگاه حساس آن از اهمیت خاصی برخوردار است. دوره متوسطه شامل دبیرستانها که به آموزش دروس پایه و تئوریک می‌پردازند و مدارس فنی و حرفه‌ای است.

هدف کلی از آموزش متوسطه ایجاد نظم فکری و رفتاری اصولی و منطقی در نوجوانان است و هدف از تحصیلات دوره متوسطه ایجاد زمینه لازم و پایه محکم برای پرورش قدرت لفظی و کلامی، ارتباطات مکاتبه‌ای، شناخت کلی درباره علوم و تسلط به یکی از زبانهای خارجی می‌باشد.

در این مقطع تاکید به روی کسب حداقل تخصص و مهارت است ولی باید توجه داشت که هدف در این دوره بیشتر فراگیری حداقل آموزش است تا ایجاد تخصص و مهارت.

مورد نیاز طرح‌های توسعه را بر سر می‌آورد. بسیار مهم است که در کشورها با پائین بودن سطح دانشگاه‌ها اشاره کرد زیرا بدلیل پائین بودن حقوق و مزایای پرداختی دانشگاه‌ها از جذب استادان با کفایت ناتوانند، از دیگر موارد می‌توان به مسئله مدرک گرایی اشاره کرد. در کشورهای جهان سوم مدرک گرایی بسیار رایج است.

۲- آموزش ضمن خدمت

آموزش ضمن خدمت به آموزش‌هایی اطلاق می‌گردد که کارکنان یک سازمان قبل از استخدام و یا در حین دوران خدمت دائماً و یا بصورت منقطع و ادواری دریافت می‌کنند. این آموزش‌ها به منظور کسب مهارت‌ها و تخصص‌هایی است که برای انجام کار معین می‌باشد و از بهره‌وری بالایی برخوردار است. همچنین از آن جهت که کوتاه مدت بوده و هزینه نسبتاً کمی دارند از سریعترین و مفیدترین نوع آموزش محسوب می‌شود و نقش بسیار مؤثری در رشد اقتصادی دارند. باید به این نکته توجه داشت که علیرغم تفاوت‌های بسیاری که آموزش رسمی و آموزش ضمن خدمت دارند با این وجود این دو مکمل یکدیگر می‌باشند.

۳- آموزش‌های آزاد و همگانی

آموزش‌هایی هستند که به گروه خاصی تعلق ندارد و در ارتباط با عموم مردم است. بهترین ویژگی این آموزش این است که مبتنی بر میل و اراده شخصی افراد است. یعنی افراد بر اساس انگیزه‌های فردی و خصوصی به این آموزش‌ها می‌روند. بسیار مهم است که این آموزش‌ها باعث افزایش بهره‌وری